

سینمای ۸۰، سال خوبی برای سینمای ایران نبود. کاهش ۲۰ درصدی تماشاگران نسبت به سال گذشته، کمبود فیلم مطرح در اکران عمومی - که بازتاب آن را در انتخاب ۵ فیلم برتر سال از نگاه نقد سینما می بینید - وقور و تعدد جنجال های حقوقی - سینمایی، تهاجم همه جانبه به سینمای ایران به وسیله جناحی از مطبوعات و اهالی سینما و طرد کردن آن به عنوان سینمایی مروج فساد، اختلاف و تشتت آرامیان چهره های شاخص سینمای ایران، تعطیلی مداوم سالن های سینما و بحرانی که صنعت سینمای ایران را فرا گرفته، ورود جناح بندی های سیاسی به عالم سینما، رویکرد تجاری افراطی گروهی سرمایه سالار در سینمای ایران و ساخت فیلم های کم مایه و... از جمله آفات سینمای ایران در سال ۸۰ بودند. جشنواره بیستم و طیف فیلم های به نمایش درآمده در آن، این امیدواری را زنده کرده است که سال آینده سال متفاوتی برای سینمای ایران باشد. پس به امید سال ۸۱، کارنامه سینمای ایران در سال ۸۰ را مرور می کنیم.

ماهی یکساله

از خوشی ها و حسرت ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



۱- زیر نور ماه

خبه همه ما می‌دانیم که ریتم زیر نور ماه اشکال دارد. همه ما می‌دانیم که فصل زیر پل در اجرا بیش از حد ناشیانه و آماتوروار است. همه ما می‌دانیم که بازی بازیگر اصلی فیلم در لحظاتی قانع کننده نیست. همه می‌دانیم که میرکریمی به عنوان کارگردان در بعضی فصول - مثلاً فصل تعقیب آن نوجوان در اتوبوس - بدیهی‌ترین اصول را رعایت نکرده است.

اما در بازبینی دوباره سینمای ۸۰ در تحریریه نقد سینما به این نتیجه رسیدیم که زیر نور ماه بهترین فیلم سال است. شاید این واکنشی باشد به فیلم‌های عصبی، ملتهب و تند و تیزی که در طول سال دیدیم. شاید مفتون جسارت فیلمساز شدیم. شاید هنوز هم صفاتی مثل صداقت و نجابت دل از دل ما می‌برد و چشم

بر تمام عیوب فیلم می‌بندیم. فیلم به نحوی دلنشین به یاد ما آورد که ایمان مذهبی چگونه می‌تواند ملازم با دوست داشتن مردم و احساس مسئولیت نسبت به آنها باشد و اینها همه چیزهایی است که این روزها از یاد برده‌ایم.

۲- باران

اینکه باران در مقیاس با بچه‌های آسمان در سال ۷۶، نشان‌دهنده اقت محسوس مجید

ممکن نشان می‌دهد. فیلمی عصبی که در آن حاتمی‌کیا طبق معمول دوران جدید فیلمسازی‌اش، معلوم نیست طرفدار چه کسی و چه چیزی است. فیلم نمایشی کاریکاتوروار از بن‌بست‌های ایدئولوژیک و تعارض آرمان‌های قدیم و دنیای جدید است. موج مرده طرفداران حاتمی‌کیا را سرخورده کرد، اما در سینمای فقیر سال ۸۰ هنوز آن قدر توان دارد که جزو فیلم‌های برگزیده سال قرار گیرد.

۵- شب یلدا

چالش پوراحمد برای ساخت فیلمی که تماماً در فضای بسته یک آپارتمان می‌گذرد و آن هم تنها با حضور یک بازیگر. فیلمی که به نوعی آن را حدیث نفس پوراحمد نامیده‌اند. داستان مردی زخم‌خورده که با خیانت زن خود روبه‌رو می‌شود و سپس به پیله خود می‌خزد و روزگاری مجنون‌وار را با غوطه خوردن در خاطرات گذشته از سر می‌گذراند.

شب یلدا این توان را داشت که به اثری غافلگیر کننده بر پایه روابط زنان و شوهران، آن هم در عصر جدید، بدل شود، اما افسوس که دلبستگی پوراحمد به لحظات عاطفی و احساسی (که دیگر همتای او - داود نژاد - نیز در مقطع سنی مشابه تمام هم و غم خود را به در آوردن این لحظات قرار داده است) و

خاطرات نوستالژیک، فیلم را از ریتم موزون ابتدایی خارج کرده است. پوراحمد وقت بسیاری را صرف گفتن حرف‌هایی می‌کند که دیگر برای مردم جذابیت ندارد. موشکافی مرد در یافتن علت بی‌مهری زن آن هم از لایلای عکس‌ها و فیلم‌های ویدیویی سوزه جنبایی بود که در رویکرد بیش از حد احساسی فیلمساز و تم خود دلسوزی، تلف شده است.

ارزش‌های نیمه نخست فیلم و شیوه روایت جذاب آن، ببینند. باران بی‌شک بهترین فیلم سینمای مجیدی نیست اما وصله ناچوری نیز بر کارنامه او محسوب نمی‌شود.

۳- سنگ کشی

فیلم متناقض بهرام بیضایی را گروهی شاهکاری بی‌بدیل می‌نامند و گروهی آن را فیلمی زمخت و با کمترین ظرافت ممکن قلمداد می‌کنند. یک اعتراض فمینیستی علیه جامعه مرد سالار و بیانیه‌ای پرآب و تاب در

سرمایه‌سالاری و رباکاری با فیلمنامه‌ای محکم و پایانی غافلگیر کننده که پس از سال‌ها اقبال مردمی را برای بیضایی به همراه آورد. فیلم عصبی است و پرخاشجو، اما خط داستانی فیلم و پایان خوب آن، به مذاق تماشاگران خوش آمد. سنگ‌کشی از سویی حاوی یکی از کشنده‌ترین دعاهای حقوقی در سینمای ایران بود.

۴- موج مرده

تجربه دیجیتال حاتمی‌کیا با کوله‌باری از سوءتفاهم مضمونی در نزد چپ و راست. فرصتی برای آنانی که از هر پدیده و اتفاق سینمایی به دنبال جمع‌آوری طرفدار و «زنده باد، مرده باد» هستند. اما وقتی فیلم با اندکی اصلاحات در پاییز ۸۰ به پرده رفته همه دیدند که ظرفیت انتقادی فیلم بسیار کمتر از آن چیزی است که تصور می‌شده است. موج مرده حاتمی‌کیا را در ناماده‌ترین شرایط



راست: صحنه‌ای از فیلم سفر قندهار چپ: صحنه‌ای از فیلم باران

مجیدی به عنوان یک فیلمساز است، نمی‌تواند تأثیری در انتخاب فیلم به عنوان یکی از بهترین آثار سینمای سال داشته باشد. اینکه مجیدی نسبت به عشاق جوان فیلمش بیش از حد سختگیر است و در رویکردی فرانسیسکنی، عشق را ملازم با از دست دادن تمام هستی و اموال می‌کند و اینکه نیمه دوم فیلم به لحاظ جنبانیت دراماتیک و ضرباهنگ دچار مشکل است نباید چشم ما را بر

۱- پارتی

سیاست در کنار Desert Rose و کمی رقص راک اندرول، با روحیه جوان پسنده و البته دو بازیگر حرفه‌ای و محبوب - مصفا و تهرانی - و کارگردانی روان سامان مقدم که

۲- آواز قو

عشق در کنار گوشه کنایه‌های رایج به مسائل سیاسی و مأمور پلیسی که انگار از وسط هالیوود به تهران قدم گذاشته و با چاشنی شورش بی‌دلیل، شگفتی اکران تابستان که

آن، باعث شد تماشاگر تهرانی که از فیلم‌های بزبن در روی تابستان شاکمی بوده و از پیام‌های اخلاقی فیلم‌های پاییزه نیز کسل شده بود، با روی گشاده از این تریلر سیاسی - اجتماعی بیضایی استقبال کند.

گوشه‌کنایه‌های سیاسی و تم فمینیستی فیلم بهترین خصیصه مضمونی سگ‌کشی هستند، اما می‌توان با صراحت گفت بزرگترین امتیاز فیلم، خط داستانی پر پیچ و خم و پایان غیر کلیشه‌ای آن است. فیلم با تمام نقایص و معایبش از یک خط داستانی جذاب برخوردار است. فیلم به شکلی باورنکردنی از امتیاز تیزر تلویزیونی برخوردار شد.

۴- مریم مقدس

چه کسی فکر می‌کرد این فیلم تاریخی موقر و موزون با فروشی این چنین چشمگیر روبه‌رو شود. موفقیت شهریار بحرانی در باورپذیر ساختن فضا و داستان فیلم، دوبله مناسب و حفظ ریتمی یکدست در سرتاسر فیلم، وسواس در طراحی صحنه و لباس و بالاخره حجم باورنکردنی تیزر تلویزیونی به موفقیت چشمگیر فیلم ختم شد. موفقیتی که در پخش سریالی فیلم در تلویزیون به هیچ‌وجه تکرار نشد.

۵- دختری به نام تندر

تقارن اکران فیلم با مرگ چهره بزرگ موسیقی پاپ ایران، فریدون فروغی و آوازی که او در اختتامیه فیلم خوانده است، در کنار مضمون ملتهب فیلم (دختری که دوست دارد پسر باشد) چند چهره جوان سینمایی معاصر (لادن مستوفی، ماهایا پتروسیان و پارسا پیروزفر) و مهمتر از همه پوستر عجیب و غیرمتعارف فیلم، همه و همه فروش چشمگیر فیلم را رقم زدند. فیلم از تیزر تلویزیونی نیز بهره‌مند بود.



۵ فیلم پرفروش سال
یا چرا تماشاگران این فیلم‌ها را پسندیدند؟

موفق به جذب هزاران دختر و پسر تهرانی به سینما شد.

جهت‌گیری سیاسی فیلم، مثل پارتی، مبهم و دوپهلو است. تیزر تلویزیونی فیلم از نیمه‌راه متوقف شد.

۳- سگ‌کشی

پایان غافلگیرکننده فیلم و کیفیات استاندارد

روانشناسی تماشاگر نوجوان و جوان را به خوبی می‌داند و البته مقداری هم هیاهوی تبلیغاتی در زمینه توقیف فیلم، فروش بالای ۳۰۰ میلیون تومانی فیلم را در اکران تهران، آن هم در ماه‌های فروردین و اردیبهشت رقم زد. فیلم از تیزر تلویزیونی برخوردار نبود.

هدیه تهرانی و علی مصفا در پارتی

مهمترین جوایز سینمایی در سال ۱۳۸۰

- ۱- جایزه بهترین کارگردانی از جشنواره مسکو برای رخشان بی‌اعتماد و زیر پوستر شهر
- ۲- جایزه بهترین کارگردانی از جشنواره ونیز برای بابک پامی و رای مصفی
- ۳- انتخاب دایره از سوی منتقدان غیررسمی به عنوان بهترین فیلم سال
- ۴- جایزه منتقدان در گن برای فیلم زیر نور ماه
- ۵- انتخاب سفر قندهار به عنوان بهترین فیلم سال از سوی ریچارد تورلیس
- ۶- جایزه اول جشنواره مونترال برای باران
- ۷- جایزه ویژه جشنواره قاهره به تمپینه میلانی برای نیمه پنهان
- ۸- جایزه بهترین بازیگر جشنواره قاهره به تکی کریمی
- ۹- جایزه فیلمبرداران ایتالیا به بهرام بدخشانی برای فیلمبرداری فیلم دایره

عناصر مضمونی مورد علاقه فیلمسازان در سال ۸۰

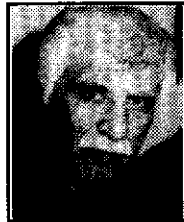
- حقوق زنان و جامعه مردسالار - سگ‌کشی، نیمه پنهان، سفر قندهار، مارال، قطعه ناتمام، دختری به نام تندر
- گوشه‌کنایه‌های سیاسی - سگ‌کشی، پارتی، نیمه پنهان، آواز قو، موج مرده
- ارتباطات جوانان - آواز قو، پر پرواز، آخر بازی، بچه‌های بد، دختری به نام تندر
- مثلث‌های عشقی - آب و آتش، چتری برای دو نفر، پر پرواز، نیمه پنهان، رخساره
- زنان بدنام - آب و آتش، بچه‌های بد
- داستان‌های تاریخی مذهبی - مسافر ری، مریم مقدس
- موسیقی - بهشت از آن تو، پر پرواز، دختری به نام تندر



محسن مخملباف

ستاره بخت این فیلمساز کهنه کار در سال ۸۰ بدجوری درخشید. سفر قندهار برخلاف نظر بسیاری، بدون جرح و تعدیل در تهران اکران شد و ماجرا توأم شد با ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا و افغانستان و بعد سفر قندهار به تنها مرجع سینمایی دربارۀ افغانستان و طالبان مبدل شد. بعد جایزه یونسکو بود و پخش جهانی و سر و دست شکستن تلویزیون های جهانی برای خرید حق نمایش فیلم و عاقبت پیدا شدن سروکله فیلم در فهرست بهترین های سال به انتخاب ریچارد

هفته دفاع مقدس، تا ساخت فیلم ارتفاع پست در جشنواره بیستم و بالاخره با شایعه انتخاب او به عنوان کارگردان سریال امام حسین (ع). آقا ابراهیم، خسته نباشی!



بهرام بیضایی

او هم یک دعوای حقوقی حساسی را پشت سر گذاشت، یک غائله پرطول و تفصیل درباره حق پخش سگ کشی و لزوم کوتاه کردن یا نکردن سگ کشی. به هر حال به نظر می رسد در این غائله او پیروز نهایی باشد. دوستارانش در مجله فیلم برای سگ کشی به شکلی مبالغه آمیز سنگ تمام گذاشتند. هر چند



رضا میرکریمی

یک جایزه از کن، همگرایی نسبتاً کامل در داخل کشور در تحسین زیر نور ماه، یک فروش نسبتاً معقول در اکران عمومی (۹۵ میلیون تومان). حالا همه منتظر فیلم بعدی او هستیم.



علیرضا داوودنژاد

دنیا به دلخواه داوودنژاد نمی چرخد. او در سال ۸۰ دو فیلم داشت و هر دو شکست تجاری خوردند. یکی از آنها - بچه های بد - از امیدهای بزرگ فروش تابستانی بود، با ماجرای جسورانه و سه چهره جوان و گذر از خطوط قرمز و آن یکی، حدیث نفسی موزیکال، با فضایی شاد و شنگول. اما هر دو ناکام ماندند. سازنده نیاز، عاشقانه و خلع سلاح، پروژه جدیدی در دست دارد با نام قلب خوزه چند می ارزه؟ راستی تا یادمان نرفته اشاره ای هم کنیم به نامه جنجالی داوودنژاد به رئیس جمهور که راستش بعد از چند بار خواندن آن فهمیدیم فلسفه نوشتن این نامه چه بوده است؟!

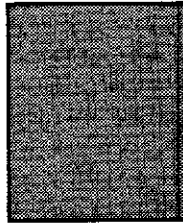
طالع سعد، طالع نحس دنیای فیلمسازان در سال ۸۰

استثنایی در جهت استفاده از تبلیغات تلویزیونی برای فیلم به ارمغان آورد.



مجید مجیدی

برای سومین سال، نماینده ایران در مراسم اسکار بود. هر چند باران به فهرست نهایی راه نیافت. نام او نیز با مسئله افغان ها گره خورد، چه با فیلم باران و چه با یک مستند داستانی کوتاه که در اردوگاه آوارگان افغان و با سرعتی حیرت انگیز ساخت. باران پس از سال ها، مجیدی را با مفهوم شکست تجاری در اکران داخلی آشنا کرد، هر چند فیلم در بعد بین المللی از موفقیت نسبتاً مناسبی برخوردار شد. این موفقیت البته در مقایسه با موفقیت رنگ خدا و فروش دویلمیون دلاری آن، یک شکست کامل محسوب می شود.



بابک پیامی

خب، وقتی کارگردانی جایزه از جشنواره ونیز می برد، لابد فیلمساز مهمی است. هر چند ما هنوز موفق به دیدار فیلم نشده ایم. «رای مخفی» از یک تهیه کننده ایتالیایی سود می برد.

سامان مقدم

تنها با دو فیلم - سیاوش و پارتی - به چهره مورد علاقه تهیه کنندگان بدل شده است. در پارتی به بحران روزنامه نگاران پرداخت اما از سوی برخی از چهره های مطبوعات چپ به تزییر، ریا و دغل متهم شد. می گویند یکی به میخ زندگی به نعل. هر چه هست و تماشاگر تهرانی را خوب می شناسد، ابزار کارش را نیز.



جعفر پناهی

نه، فایده ای ندارد. دایره امکان نمایش در ایران پیدا نمی کند. مصاحبه های پشت سرهم پناهی در مذمت معاونت سینمایی سابق، کمکی به حل ماجرا نکرد حتی اگر دایره از سوی انجمن فیه رشی به عنوان بهترین فیلم سال نیز شناخته شود. تلاش پناهی برای گرفتن یک اکران محدود در ایران برای حضور در مراسم اسکار نیز فایده نکرد.



ابراهیم حاتمی کیا

مرد پر سرو صدای سال، از جنجال موج مرده بگیرد تا دعوی حقوقی سیندرلا با تیم رسام / بیرنگ تا ساخت سریال خاک سرخ برای تلویزیون، تا حضور مکرر در مکرر در تلویزیون و مرور آثارش در



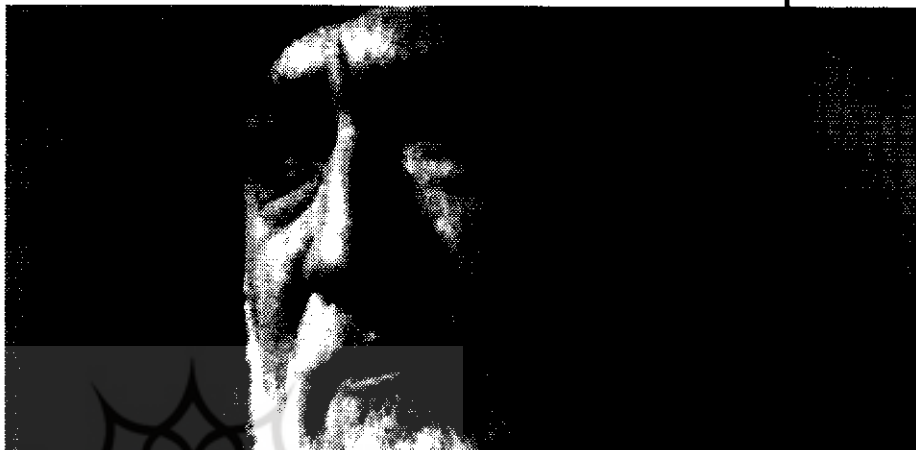
تهیمینه میلانی

در اثر یک سوءتفاهم کشنده، سر از زنان درآورد و تنها شیوه کد خدا منشی معاونت جدید سینمایی بود که غائله را خاتمه داد. داستان زنانه او در نیمه پنهان این بار برخلاف دو زن مورد توجه تماشاگران

دنیای بازیگران
درسال ۸۰

بر همان مدار سابق

داود فروتنی از چمنه (سنگ کشی) مسافر ری
بازی او در نقش حاجی نقدی یکی از معدود فرازهای بازیگری سال ۸۰ بود. در نقش تاجری سنتی که وقتی در جذب زنی امروزی قرار می‌گیرد، تلاش می‌کند که از راهکارهای



که ادامه‌ای بود بر بازی او در دو زن نقطه مثبتی در کارنامه او محسوب نمی‌شود. گویی دیگر هر فیلمسازی که دنبال مردی متعصب و سنتی با باورهای ضد زن می‌گردد، به سراغ او می‌آید.

محمد رضا فروتن (شب یلدا)

کیومرث پوراحمد پروژه محبوب خود، شب یلدا را بر مبنای کاراکتر محمدرضا فروتن شکل داد. نقشی سخت که یک تنه ۷۰-۸۰ درصد بار فیلم را بر دوش می‌کشد. محبوبیت فروتن به عنوان جوان اول سینما، این اطمینان را به پوراحمد داد که می‌تواند ریسک ساخت این فیلم کم کاراکتر را بپذیرد. فروتن برای این نقش سنگ تمام می‌گذارد و آن کلیشه سخت و منقبض خود را به عنوان یک بازیگر - ستاره می‌شکند. او در فیلم همه کار می‌کند، می‌خندد، می‌گریه پرخاش می‌کند، می‌رقصد، آواز می‌خواند و... اما شکست تجاری سخت شب‌یلدا پایانی بود بر توهم محبوبیت بی حد و حصر فروتن به عنوان بازیگر - ستاره. نه سال ۸۰ علی‌رغم به ارمغان آوردن یک تندیس بلورین بازیگری از خانه سینما، سال خوبی برای فروتن نبود.

محمد فروتنی (پارتی) چتری برای دو نفر

برای سومین سال پیاپی، او در پر فروشترین فیلم سال - پارتی - بازی دارد. در سال‌های ۷۸ و ۷۹ نیز با قرمز و شوکران در بالای جدول فروش حضور داشت. کیفیت بازی او در پارتی نقطه مثبتی در کارنامه او محسوب نمی‌شود، هر چند خودش پیش از نمایش فیلم بارها به تعریف از کیفیت بازی خود در این فیلم پرداخته بود. از قرار معلوم هنوز شوکران و قرمز بهترین نقش‌آفرینی‌های او محسوب می‌شوند. بازی موقرانه او در چتری برای دو نفر، در نقش زنی متمول که به جست‌وجوی مرد ایده‌آل خود است، از ویژگی‌های بهتری نسبت به پارتی برخوردار بود. در اواخر سال، شایبه حضور او در تبلیغات یک شرکت لوازم خانگی و رد و بدل شدن صدها میلیون تومان پول، بار دیگر نام او را بر سر زبان‌ها انداخت. مضاف بر آنکه تصمیم او برای بازی در دو فیلم تقوایی و فرمان‌آرا، نشان از بلندپروازی‌های او به عنوان یک بازیگر دارد.

ایلا پورسین (آب و آتش) سنج بود

او در آب و آتش برای نقش غیر متعارف خود کم نگذاشت. او جسورانه از پس نقش سخت خود برآمد. تندیس بلورین خانه سینما پاداشی بود بر بازی خوب او. انتخاب‌های گوناگون و متنوع او نشان می‌دهد که نمی‌خواهد خود را

سنتی و عرفی مشکل هوسرانی خود را حل کند. یک شاهکار کوچک بازیگری که در زمانی کوتاه پرتنه‌ای کامل از مردی سنتی خلق می‌کند. تنها شخصیت‌پردازی کامل در فیلم پربازیگر سگ کشی. اما به شکل متناقضی بازی او در نقش حضرت عبدالعظیم در فیلم مسافر ری بر دل‌ها نشست. نقشی پر گفت‌وگو و پر طول و تفصیل که از جاذبه‌های لازم نمایشی، کم بهره است. چه میزان از این تقصیر بر دوش داود میرباقری است؟

پرویز پرستویی (آب و آتش) سنج بود

در آب و آتش تحت تاثیر دو بازیگر دیگر قرار گرفت و تلاشش برای بازتاب خصوصیات مردی منفعل و ناظر، در این فیلم به شکست انجامید. او انفعال کاراکتر مورد نظر را با آب و رنگی از غم و اندوه به تصویر کشید که چندان مورد توجه قرار نگرفت. کاراکتر اول فیلم موج مرده نیز بیش از حد ضعیف و نارسا بود و تلاش پرستویی برای باورپذیر ساختن این نقش نیز به جایی نرسید. برای بازیگر موفق و پرطرفدار سال‌های ۷۷ و ۷۸؛ سال ۸۰ سال خوبی محسوب نمی‌شد.

ایلا پورسین (آب و آتش) سنج بود

بازی او در نقش منفی آب و آتش، تندیس بلورین خانه سینما را برای او به ارمغان آورد. مردی خشن، خبیث و بی‌تعادل با حرکات سادیستی و گذشته‌ای مجهول و نامعلوم. اما بازی او در نقش مرد سنتی فیلم نیمه‌پنهان

دنیای بازیگران سینمای ایران در سال ۸۰ دنیای کسل‌کننده و تکراری بود. با بازی‌هایی یکنواخت و کاراکترهایی که انگار عیناً از یک فیلم وارد فیلم بعدی می‌شوند. آن جرقه‌های الهامبخش بازیگری، آن لحظات جوشش هنر بازیگری و آن خلسه از لذت بخشیدن که از تماشای یک بازی درخشان به تماشاگر عارض می‌شود، در سال ۸۰ - به جز یکی دو استثنا - غایب بود.

داستان بر همان مدار پیشین و همان نام‌های همیشگی می‌چرخید مگر آنکه استقبال مردم از پرواز را ناشی از محبوبیت شادمهر عقیلی در اولین تجربه سینمایی‌اش بدانیم و یا از تلاش دور از انتظار بهرام رادان یاد کنیم در آواز قو و یا بازی‌های نسبتاً قابل قبول پوپک گلدره در آخر بازی و موج مرده به عنوان نمایندگان از نسل تازه نفس سینما در عرصه بازیگری. یا از شقایق فراهانی یاد کنیم که با وسواسی حرفه‌ای به شکل مداوم بر پرده سینما ظاهر می‌شود و چه - احیاناً - در نقش اول و چه در نقش‌های دوم، بازی قابل قبولی از خود نمایش می‌دهد.

نه، از نسل جوان سینما، هیچ بازی غافلگیرکننده‌ای ندیدیم. سینمای ایران هنوز مدیون نام‌ها و چهره‌هایی است که از سال‌های قبل به عنوان ذخایر سینمای ایران شناخته شده‌اند.

همکاری خود با داود میرباقری را تجربه کرد - در نقش زنی جسور و سرکش که «ابوعون» را مجنون وار به دنبال خود به هر سو می کشد. آسایش در مسافر ری نشان می دهد که همچنان یکی از معدود زنان سینمای ایران است که می تواند ملغمه ای پذیرفتنی از جسارت، اراده و اغوا را به تصویر بکشد بی آنکه

در نقش های خاص محدود کند. لیلا، شیدا، آب و آتش و طیف متنوع فیلم هایی که در سال ۸۱ از او خواهیم دید (ایستگاه متروک، ارتفاع پست و مربای شیرین)، نشان از تلاش بازیگر مستعدی است که می خواهد تجربه های متفاوتی را از سر بگذراند.

بهترین حضور (رخساره، سگ کشی، شب های تهران)

در مورد این بازیگر جوان، تفاسیر مختلفی وجود دارد. گروهی او را یک استعداد بی بدیل بازیگری می دانند و گروهی دیگر با این رای به سختی مخالفند. این تناقض را در نقش آفرینی های او نیز می توان مشاهده کرد. او در سال ۸۰ از سویی در فیلمی از نخبه ترین فیلمساز ایرانی - بهرام بیضایی - ظاهر شد؛ در یک نقش آفرینی کوتاه و قابل قبول و از آن سو در محصولی از مظهر سینمای تجاری ایران در تیم فرحبخش - فرهنگ نیز ظاهر شد؛ یعنی شب های تهران. در میان این دو تجربه متفاوت، حضورش در نقشی پرسوز و گداز در فیلم رخساره، این پراکندگی و تشتت را تشدید می کند.

راست: داریوش ارجمند
چپ: ویشکا آسایش، پرویز پرستویی، لیلا حاتمی، محمدرضا فروتن و آنیلا پسیانی

نقش کنونی (نیمه پنهان)

ستاره بخت او رو به افول گذاشته است. بازی درخشان او در نیمه پنهان، هم از چشم داوران جشنواره فجر و هم از دید تماشاگران پنهان ماند. تنها در قاهره بود که جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره پاداشی در خور بود برای هنرنمایی او. کرمی اعلام کرده کمتر به عنوان بازیگر ظاهر خواهد شد و می خواهد بخت خود را به عنوان فیلمساز بیازماید. فیلم کوتاه او، داشتن و نداشتن، در چند نوبت در خانه سینما و خانه هنرمندان به نمایش درآمد ... چندان بر دل نشست.

مژده شمسایی (سگ کشی)

چه بگوییم؟ سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن جشنواره نوزدهم آن هم در بخش بین الملل به ایشان اهدا شده است و در کنار آن نقدهای ستایش آمیز دوستداران سینمای بیضایی را هم درباره بازی ایشان داریم. و از آن سو با چشمان خودمان می بینیم بازی غیرقابل انعطاف، صدای بد، میمیک های تاثیر، و حرکات زمخت ایشان را! شما اگر جای ما بودید بازی مژده شمسایی را چگونه ارزیابی می کردید؟

ویشکا آسایش (مسافر ری)

او همچنان کم کار است، اما در مسافر ری در نقش «روشنک» زن یاغی، سومین

زنده به نظر برسد. آسایش استعداد حضور در سطح اول بازیگران زن سینمای ایران را دارد. افسوس که حضور او در نقش شخصیت های غیرتاریخی (ساحره، بلوغ و عشق +۲) کمتر توانسته جلب توجه کند.

جمشید شامش پور (مسافر ری)

«این شمایل سینمای حادثه ای، پس از افول نابه هنگام این نوع سینما، به تدریج در نقش های نوع دیگر جا می افتد. او در سال گذشته نقش ابوعون را در مسافر ری به یکی از کاراکترهای جذاب سینمای ایران بدل کرد. در نقش پلیس کم حرفه توتار و با اعتماد به نفس فیلم آواز قو هم پذیرفتنی بود. هر چند به نظر می رسد کاراکترش را با دقت از معادل های فرنگی انتخاب کرده است.

سهاپق فراهاقی (چتری، برای تو نفس شب های تهران)

بدون جنجال مدام تصویر او را در سینما و تلویزیون می بینیم. پر کار است و با کمترین وسواس نقش های خود را انتخاب می کند. اما کم کم آوازه او به عنوان بازیگری کم توقع که با دقتی مسؤولانه و بی توجهی به بزرگی و کوچکی نقش، به هنرنمایی می پردازد، در سینمای ایران پیچیده است. بازی او در نقش زنی عاشق ثروت و رفاه در چتری برای تو نفر، آن هم در حضور دو بازیگر مطرح مثل هدیه تهرانی و رضا کیانیان، نشان از استعداد بالقوه او دارد.

